

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

مجید معارف *

چکیده

شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام، در روایات اهل تسنن به عنوان بانویی جامع فضائل انسانی ترسیم شده است. روایات اهل سنت در فضائل فاطمه زهرا علیها السلام اعم از روایات تفسیری و غیر تفسیری است. روایات تفسیری جایگاه آن حضرت را از منظر قرآن نشان داده و بیانگر شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام در تعابیر الهی است. در روایات غیر تفسیری ابعاد دیگری از شخصیت حضرت فاطمه با نقل رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار می شود. جمع بندی هر دو دسته از روایات آن که حضرت زهرا علیها السلام در کانون اهل بیت پیامبر قرار داشته، معصوم از هر خطا، ضامن تداوم نسل پیامبر صلی الله علیه و آله، آگاه به حقایق دینی، قاطع در دفاع از حق در دوران رسالت، مدافع حریم ولایت پس از رحلت پدر، محبوبترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرور زنان دو عالم و ... می باشند.

واژگان کلیدی

فاطمه زهرا علیها السلام، فضائل، اهل بیت علیهم السلام، عصمت، ذی القربى، کوثر، ولایت

* - دکترای علوم قرآن و حدیث؛ استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران

۱) طرح مسأله

فاطمه زهرا علیها السلام کوچکترین دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده، در عین حال واجد فضائلی است که دیگر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن بی بهره بوده‌اند. شناخت این فضائل و علل اختصاص حضرت زهرا علیها السلام به آنها از جمله مسائلی است که ذهن هر انسانی را به خود جلب می‌کند؛ خصوصاً که این فضائل نقش مهمی در شناخت سیمای حضرت فاطمه علیها السلام داشته و به طور گسترده نیز در منابع علمی فریقین نقل شده است.

۲) گستره فضائل حضرت زهرا علیها السلام در منابع اهل سنت

فضائل حضرت زهرا علیها السلام در چند دسته از منابع اهل سنت وارد شده که برای پژوهشگران قابل توجه است؛ به شرح:

جوامع بزرگ حدیثی که غالباً در آنها ابوابی با عنوان: «مناقب فاطمه بنت رسول الله» و شبیه به آن به چشم می‌خورد (ر.ک. نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۴، صص ۱۹۰۶-۱۹۰۲؛ ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، صص ۶۵۸-۶۵۵؛ بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۵، صص ۸۵-۸۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، صص ۳۷۴-۳۶۱).

- تفاسیر اثری و جز آن که در آن مفسر ذیل آیاتی که درباره اهل بیت یا حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده، روایات متناسب را آورده است.^۱
- منابع تاریخی که در بردارنده زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام به شکل کامل یا ناقص است.

۱- نک. «جامع البیان» طبری، «الدرّ المنثور» سیوطی، «تفسیر القرآن العظیم» ابن کثیر دمشقی و مجموعه‌ای از این روایات در کتاب «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازلة فی اهل البیت صلوات الله و سلامه علیهم» از عبیدالله بن عبدالله معروف به حاکم حسکانی از علمای قرن پنجم هجری.

- منابع سیره و رجال، خاصه کتاب‌هایی که به درج سیره و زندگانی صحابه اختصاص یافته است.^۱

- منابع مستقل که در خصوص زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام تالیف شده است.^۲

- منابع خاص روایی مانند مسندهای حضرت زهرا علیها السلام که به جمع روایات آن حضرت یا روایاتی که درباره ایشان وارد شده، اختصاص پیدا کرده است.^۳ ضمناً روایات موجود درباره حضرت فاطمه علیها السلام از جهتی به دو نوع: روایات تفسیری و روایات غیر تفسیری قابل تقسیم است که در این مقاله از هر دسته به ذکر تعدادی بسنده می‌شود.^۴

۲-۱) روایات تفسیری

مقصود از روایات تفسیری، آن دسته از روایاتی است که مفاد آن، قول و فعل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در توضیح آیات قرآن نشان می‌دهد. از آنجا که حجیت روایات و سنن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته (نک. نجم، ۲-۴، نساء، ۵۹ و ۸۰؛ نحل، ۴۴؛ احزاب، ۳۶ و...) اعتبار شرعی این روایات بدیهی بوده، در نتیجه از مدارک مهم تفسیر قرآن به شمار می‌روند که از استناد به آنها گریزی نیست (رک. العک، ۱۴۱۴ق: ص ۱۱۶؛ زرقانی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۱؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۴؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰ق: ص ۶؛ طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۴).

۱- رک. ابن سعد، ۱۴۱۷ق: ج ۸، صص ۲۵-۱۶؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۳، صص ۲۲۶-۲۲۰.

۲- نک. «فضائل فاطمة الزهراء» تالیف ابو حفص عمر بن احمد معروف به ابن شاهین (۳۸۵م).

۳- نک. «احمد بن حنبل، ۲۰۰۵م: ج ۶، ص ۲۸۳ با عنوان مسند فاطمة بنت رسول الله و نیز همین عنوان در الجامع الکبیر» (قسم الافعال) از سیوطی که مستقلاً نیز با عنوان مسند فاطمة الزهراء و ما ورد فی فضلها به تحقیق فؤ از احمد زمزلی به طبع رسیده است و مشتمل بر ۲۸۴ حدیث درباره حضرت فاطمه است.

۴- به گفته ابن حجر عسقلانی مناقب حضرت زهرا جدا بسیار زیاد است (همو، ۱۴۰۴ق: ج ۱۲، ص ۴۶۹) اما در این مقاله صرفاً به ذکر ده فضیلت از حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته شده که تعدادی ریشه مستقیم قرآنی داشته و تعدادی از نصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایشان است.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

پس از روایات نبوی، دانشمندان اهل سنت اقوال و نظرات صحابه را به عنوان روایات تفسیری آورده و به آن استناد می‌کنند، به این دلیل که صحابه در عصر نزول قرآن به سر برده، علوم و اطلاعات خود را از مقام رسالت آموخته و داناترین افراد به اوضاع و احوال جامعه و فضای نزول آیات بوده‌اند (دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۴؛ زرکشی، ۱۳۹۱ق: ج ۲، ص ۱۷۲؛ زرقانی، بی تا: ج ۱، ص ۴۸۱؛ العک، ۱۴۱۴ق: ص ۱۱۷) اما دانشمندان شیعه با آن که معتقد به حجیت آراء صحابه در تفسیر قرآن و غیر آن نیستند (طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۴؛ طباطبائی، ۱۳۵۳: ص ۴۴؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰ق: صص ۶۷-۶۶؛ مهدوی راد، ۱۳۸۲: با عنوان حجیت مآثور از صحابه)، جز آن که گزارش‌های صحابه را در اسباب نزول آیات و مواردی که مجالی جهت رأی و اجتهاد آنان نباشد، بلکه حکایت از مشاهدات آنان درباره چگونگی نزول آیات و تطبیق مفاد آن بر مصادیق کند، به دیده اعتبار نگریسته و در تفاسیر خود به آن استناد می‌کنند (معرفت، ۱۴۲۵ق: ص ۹۸) ناگفته نماند که از نظر شیعه پس از روایات پیامبر ﷺ اعتبار شرعی با روایات اهل بیت ﷺ است که از جهت مواهب علم الهی و عصمت متمایز از صحابه بوده و قول و فعل آنها مانند قول و فعل پیامبر ﷺ حجیت دارد^۱. با این توضیح به سراغ روایات تفسیری رفته و فضائل حضرت زهرا ﷺ را در تعداد محدودی از آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم^۲.

۱ - در مورد حجیت قول و فعل امامان شیعه از جمله روایات تفسیری آنان دلایل مهمی در قرآن و روایات وجود دارد از جمله می‌توان به آیه ۷۹ سوره واقعه و آیه ۳۱ سوره احزاب اشاره کرد (طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۱۹، ص ۱۳۷). از جهت روایات نیز حدیث ثقلین که از جمله روایات متواتر و قطعی الصدور است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۳، ص ۱۶۶-۱۰۵؛ خوبی، ۱۴۰۸ق: ص ۴۹۹) بر حجیت قول و فعل اهل بیت ﷺ دلالت می‌کند (تفضیل حجیت را نک. طباطبائی، ۱۳۵۳: ص ۵۳؛ معارف، ۱۳۸۲: ص ۲۳۲).

۲ - جهت اطلاع بیشتر از آیاتی که در خصوص حضرت زهرا ﷺ نازل شده و یا حضرت فاطمه ﷺ یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود نک. (حسینی شیرازی، ۱۴۱۱ق).

۱-۱-۲) کوثر رسالت، نسل پاینده

اولین موضوع درباره حضرت زهرا علیها السلام در قرآن آن که، آن بزرگوار مصداق مشخص کوثر و عامل تداوم نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است. به طوری که مفسران در سبب نزول سوره کوثر نوشته‌اند، از آنجا که فرزندان ذکور رسول خدا صلی الله علیه و آله در حیات آن بزرگوار از دنیا رفتند، برخی از مشرکان از جمله عاص بن وائل، ولید بن مغیره، ابوجهل، عقبه بن ابی معیط و ابولهب زبان به شماتت پیامبر صلی الله علیه و آله گشوده، او را ابتر نامیدند (سیوطی، ۱۹۹۳م: ج ۶، ص ۴۰۳؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، ص ۴۰۳ و اکثر تفاسیر ذیل سوره کوثر). خدای تبارک و تعالی در پاسخ به شماتت مشرکان خصوصاً «عاص بن وائل سهمی» سوره کوثر را به شرح: «بسم الله الرحمن الرحيم. انا اعطیناک الکوثر فصل لربک وانحر ان شانئک هو الابر» نازل ساخت و ضمن اعلام بشارت به اعطای «کوثر» به رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمنان آن حضرت را «ابر» یعنی بلا نسل و بلا عقب اعلام فرمود. اما در این سوره کریمه مراد از «کوثر» چیست؟ با توجه به آنکه کوثر از نظر لغوی به معنای خیر کثیر است، (راغب، ۱۳۶۲: ص ۴۲۶) این کلمه مصداق زیادی دارد که مفسران به آن اشاره کرده‌اند از جمله: قرآن، علم فراوان، نهری در بهشت، نبوت و پیامبری، ذریه و نسل، مقام شفاعت و... (رک. زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۸۰۷؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، صص ۵۹۸-۵۹۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۳، صص ۲۴۶-۲۴۴؛ شوکانی، بی تا: ج ۵، ص ۵۰۲؛ مراغی، بی تا: ج ۱۰، صص ۲۵۲-۲۵۱) اما با توجه به سبب نزول سوره کوثر که در پاسخ شماتت‌کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل نداشتن فرزند ذکور نازل شده و نیز به دلیل تقابل «الکوثر» با «الابر» که این کلمه دم بریدگی و قطع نسل و ریشه را افاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ص ۳۶)، معلوم می‌شود که مراد از «کوثر»، همان عامل بقای نسل و ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله است که مصداق آن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

خواهد بود و به عبارت بهتر کوثر جز فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندانش مصداق دیگری ندارد و سایر معانی کوثر که مفسران به آن اشاره کرده‌اند مثل شفاعت، نهی در بهشت و حوض بهشت، خیر کثیر، کثرت اصحاب و کثرت امت همه از باب جری و انطباق است (عثمان محمد، ۱۴۱۰ق: ص ۱۷). با این اعتبار حسن و حسین علیهم السلام نیز فرزندان رسول خدا به شمار می‌آیند، چه در غیر این صورت علی‌رغم وجود فاطمه زهرا علیها السلام باز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم موصوف به «ابتر» خواهد شد. این استدلالی است که علی علیه السلام در پاسخ نامه عمرو بن عاص کرده است. در این خصوص ابن ابی الحدید نوشته است: «عمرو بن عاص نامه‌ای به امیرالمؤمنین فرستاد که در آن مواردی را بر آن حضرت عیب گرفته بود. از جمله آن که امام علیه السلام حسن و حسین را دو فرزند رسول خدا می‌داند. پس امام به پیک عمرو بن عاص گفت: به شانی بن شانی بگو: اگر حسن و حسین فرزندان رسول خدا نبودند در این صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابتر می‌بود. در حالی که خداوند ابتر بودن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نفی کرده و به دشمن او نسبت داده است، همانگونه که پدرت گمان می‌برد» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق: ج ۲۰، ص ۳۳۴). از نظر مفسران شیعه مهم‌ترین مصداق کوثر همان وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام است که عامل نسل پاینده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. طبرسی می‌نویسد: «گفته‌اند که کوثر عبارت از کثرت نسل و ذریه است. آری کثرت در نسل آن حضرت از فرزندان فاطمه علیها السلام به گونه‌ای ظاهر گردید که به شمارش نیایند و امتداد این نسل تا روز قیامت پابرجاست» (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰، ص ۸۳۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۲۰، ص ۳۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷، ص ۳۷۵؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۱ق: ص ۳۵۲).

بسیاری از مفسران اهل سنت نیز در تفسیر سوره کوثر یکی از مصداق «کوثر» را فاطمه زهرا علیها السلام دانسته‌اند. به عنوان نمونه فخر رازی از قول «سدی» نوشته

است که «بین عرب مرسوم بود که اگر فرزند پسر کسی از دنیا رود به او ابتر می‌گفتند. چون فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه موسوم به قاسم و عبدالله و نیز فرزند او به نام ابراهیم در مدینه درگذشتند، آنها گفتند که پیامبر ابتر است و جانشینی ندارد، اما خداوند با نزول این سوره مشخص کرد که دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله به این صفت موصوف بوده و نسل آن حضرت تا قیامت تداوم دارد» (فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۳۲، ص ۱۳۲؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ج ۶، ص ۵۷۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۳۰، ص ۲۴۵؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۶۲۶). نکته مهم در تفسیر سوره کوثر آن که همه مفسرانی که در تفسیر «کوثر» به مصادیقی غیر از نسل و ذریه اشاره کرده‌اند، بلاغت قرآن کریم در تقابل «کوثر» و «الابتر» را در نظر نگرفته‌اند و از این جهت غفلت بزرگی مرتکب شده‌اند. علامه طباطبائی ضمن برشماری مصادیق کوثر از قول مفسران - که تا بیش از ۲۶ قول بالغ است - می‌نویسد: «به جز مصادیق نهی در بهشت و حوض پیامبر صلی الله علیه و آله که مستند به برخی از روایات است - باقی اقوالی که درباره کوثر گفته شده هیچ دلیلی ندارد به جز تحکم و بی دلیل حرف زدن. اما با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» به معنای کسی است که نسل او منقطع شده و با در نظر گرفتن جمله نامبرده که از باب قصر قلب است، نتیجه‌گیری می‌شود که منظور از کوثر تنها و تنها کثرت ذریه است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته است یا مراد هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه. اگر مراد مسأله ذریه با استقلال یا به طور ضمنی نبود آوردن «ان شائک هو الابتر» فایده‌ای نداشت. زیرا کلمه ان علاوه بر تأکید، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد که خداوند بفرماید ما به تو حوضی دادیم چون که بدگوی تو ابتر و بلانسل است» (طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۲۰، ص ۳۷۰).

اما از مفسران اهل سنت فخر رازی بیش از دیگران به این نکته بلاغی در سوره

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

کوثر اشاره کرده و می‌نویسد: «کوثر به معنای فرزندان پیامبر ﷺ است. گفته‌اند که این سوره در مقام تخطئه کسی نازل گردید که آن حضرت را به جهت نداشتن (یا باقی نماندن) فرزندان مورد سرزنش قرار داد. لذا معنای آیه این می‌شود که: خداوند نسلی به پیامبر ﷺ عطا فرماید که در طول قرون و اعصار پایدار خواهد بود. آری بنگر چقدر از اهل بیت کشته و شهید شدند، اما باز عالم از آنان ملامت است در صورتی که از بنی امیه احدی که قابل توجه باشد باقی نماند و باز بنگر که در میان اهل بیت ﷺ چه بزرگانی مانند حضرات باقر، صادق، کاظم، نفس زکیه و امثال آنان ظهور نمود» (فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ج ۳۲، ص ۱۲۴).

۲-۱-۲) شاخص اهل بیت پیامبر ﷺ با ویژگی عصمت و طهارت

آیه تطهیر با مفاد: «انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» (جز این نیست که خداوند اراده فرموده هر گونه زشتی و پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و از هر جهت پاکتان سازد) (احزاب، ۳۳)، بر عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ دلالت دارد و حضرت زهرا ﷺ چهره شاخص در مصادیق اهل بیت ﷺ است. به توضیح دیگر اسلوب آیه شریفه با توجه به حرف تأکید «انما»، بیان اراده الهی، ساختار افعال به صورت فعل مضارع که استمرار را می‌رساند، «ال» کلمه الرجس که مبین اطلاق است و بالاخره مفعول مطلق «تطهیراً» که خود از ادوات تأکید است، همگی دلالت بر اراده الهی بر نفی هرگونه رجس و پلیدی - آن هم رجس معنوی و غیرمادی - مانند شرک، کفر و گناه دارد^۱ و این موضوع بر همان

۱ - رجس در آیات قرآن به هر دو معنای مادی مانند: «...او لحم خنزیر فانه رجس» (انعام، ۱۴۵) و معنوی مانند آیات: «اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً الی رجسهم و ماتوا و هم کافرون» (توبه، ۱۲۵) و نیز «...کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون» (انعام، ۱۲۵) به کار رفته و در آیه تطهیر مراد از «رجس» پلیدی‌های معنوی و غیرمادی است. زیرا پاک شدن از آلودگی‌های ظاهری دنیا نیاز به اراده خاصی از جانب خدا ندارد و مومنان قادر به تحقق آن هستند.

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

عصمت الهی که عبارت از ملکه‌ای نفسانی است که انسان را از عقیده باطل و کارهای زشت برحذر می‌دارد، منطبق می‌گردد (ر.ک. طباطبائی، ۱۳۹۴ق: ج ۱۶، ص ۳۱۲). اما بر طبق روایات وارده در ذیل آیه، اهل بیت علیهم السلام جز حضرت فاطمه علیها السلام، علی، حسن و حسین علیهم السلام مصادیقی ندارند و با آن که آیه در وسط آیاتی قرار گرفته که درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گوید، معهداً طبق روایات صحیح که از طرق متعدد وارد شده، همسران پیامبر از شمول اهل بیت علیهم السلام خارج شده‌اند. از جمله آن که ترمذی در سنن خود از عمر بن ابی سلمه آورده است: آیه «انما یرید الله...» در خانه ام سلمه نازل گردید. در پی آن رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه، حسن و حسین را فراخوانده در جامه‌ای پوشاند و علی علیه السلام را در جامه‌ای دیگر. سپس فرمود: «اللهم هولاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً» ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا آیا من با ایشانم؟ اما رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو بر جای خود باش که فردی عاقبت بخیری (ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، صص ۳۲۸، ۶۲۲ و ۶۵۷؛ ابن حنبل، ۲۰۰۵م: ج ۶، ص ۲۹۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، صص ۳۵۸-۳۵۷؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۹۳؛ طبری، ۱۹۸۸م: ج ۱۲، ص ۶؛ سیوطی، ۱۹۹۳م: ج ۶، ص ۶۰۴؛ نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۴، ص ۱۸۸۳ از قول عایشه).

بر طبق یک تحقیق ۲۷ نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله - که شماری از آنان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند - نزول آیه تطهیر درباره حضرت فاطمه، علی، حسن، حسین علیهم السلام را شهادت داده‌اند (بشوی، ۱۳۸۶: صص ۸۹-۹۱). دانشمندان بسیاری از اهل سنت، حدیث یاد شده را در کتاب‌های خود آورده‌اند و بر صحت آن تصریح کرده‌اند (همان، صص ۹۵-۹۲). از جمله حدیث یاد شده از قول مسلم در کتاب صحیح او وارد شده که اهل سنت در اعتبار روایات آن تردیدی ندارند. ترمذی پس از نقل حدیث

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

درباره آن نوشته است که «هذا حدیث حسن و هو احسن شیء روی فی هذا الباب» (ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۶۵۷ و نیز ۱۳۲۸). حاکم نیشابوری نیز پس از آوردن این حدیث در چند موضع از کتاب خود آن را صحیح الاسناد و نیز با ملاک‌های بخاری و مسلم صحیح دانسته است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، صص ۳۵۸-۳۵۷).

آن چه در آیه تطهیر فاطمه زهرا علیها السلام را در کانون اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد آن است که بر طبق روایات متعدد، پس از نزول آیه تطهیر رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدت شش یا نه ماه از کنار خانه حضرت فاطمه علیها السلام عبور کرده و اهل خانه را با این تعبیر مورد خطاب قرار می‌داد که: «الصلاة، اهل البيت، انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البيت و یطهرکم تطهیراً» (ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۳۲۸؛ ابن حنبل، ۲۰۰۵م: ج ۳، ص ۲۸۵؛ دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ص ۴۹۲) و مقصود رسول خدا صلی الله علیه و آله آن بود که همگان متوجه شوند که اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر جز حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام، مصادیق دیگری ندارد و تنها این گروه هستند که خداوند طهارت قلبی و پاکی آنان را از هرگونه شائبه نفسانی اراده فرموده است.

۳-۱-۲) مهرورزی با فاطمه، پاداش رسالت

به استناد آیه: «... قل لا اسألكم علیه اجراً الا المودة فی القربی» (شوری، ۲۳) (بگو (در قبال رسالتم) پاداشی از شما نمی‌خواهم به جز دوست داشتن نزدیکانم) حضرت فاطمه علیها السلام یکی از مصادیق «قربای» پیامبر است که مودت با او به عنوان پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله امری واجب و الزامی است و قابل توجه است که طبق آیه: «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله و هو علی کل شیء شهید» (سبا، ۴۷) نتیجه دوستی و مهرورزی با خویشان رسول خدا به خود انسان باز می‌گردد نه ضرورتاً رسول خدا صلی الله علیه و آله. اما مصداق «قربی» در آیه مودت چه کسانی هستند؟

در این باره اقوالی در بین مفسران اهل سنت وجود دارد؛ از جمله آن که مراد از قربی مطلق خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله خصوصاً طایفه قریش است (دمشقی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۱۲۱)؛ در صورتی که هر کس به تاریخ اسلام آشنا باشد، متوجه خواهد شد که قریش با آن سابقه‌ای که در اذیت و آزار پیامبر صلی الله علیه و آله داشته، نمی‌تواند مصداق مناسبی جهت جلب مودت مسلمانان به عنوان مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد. ابن کثیر به عنوان یک نظر «قربی» را مصدر گرفته و آیه را چنین معنا کرده است: «بگو ای پیامبر من در قبال رسالتم از شما مزدی نمی‌خواهم، لکن به سبب قرابتی که بین من و شما وجود دارد، مرا آزار نکنید» (همان). این تفسیر نیز علاوه بر آن که خلاف ظاهر است با روایاتی که در معرفی مصادیق «قربی» وارد شده در تعارض است. از معروف‌ترین روایات وارده در این خصوص حدیث «ابن عباس» است که می‌گوید: چون آیه: «قل لا اسالکم علیه اجر الا المودة فی القربی» نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله خویشان تو که خداوند محبت آنها را واجب فرموده چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» (رک. منابع گوناگون اهل سنت از جمله: سیوطی، ۱۹۹۳م: ج ۷، ص ۳۴۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۲۰؛ فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۷، ص ۱۶۷؛ حاکم حسکانی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، ص ۱۳۰؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۳۶۲؛ نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ص ۱۵۴). زمخشری در ذیل آیه حدیث دیگری در لزوم دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله آورده که با این عبارت شروع می‌شود: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من مات علی حب آل محمد مات شهیداً، الا من مات علی حب آل محمد مات مغفوراً له...» (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۲۲۰) و فخررازی پس از ذکر همین حدیث آورده است: «در عظمت آل محمد همین بس که اولاً: آنان - یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین - محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و لذا دوستی آنان بر امت واجب

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

است. ثانیاً: آنان در تشهد نماز در کنار رسول خدا ﷺ مخصوص به ذکر و دعا شده‌اند که: «اللهم صل علی محمد و آل محمد» که این نیز بر وجوب حب و دوستی آنان دلالت دارد (فخررازی، ۱۴۱۳ق: ج ۲۷، ص ۱۶۶).

نکته دیگر درباره حدیث ابن عباس در معرفی مصادیق «ذی القربی» آن که این حدیث در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت به طرق مختلفی وارد شده از جمله آن که حاکم حسکانی حدیث یاد شده را با هشت طریق ذیل آیه مودت آورده است (حاکم حسکانی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، صص ۱۴۶-۱۳۰). طبق برخی از پژوهش‌ها (بشوی، ۱۳۸۶: صص ۱۸۰-۱۷۹) سند حدیث صحیح بوده و راویان آن موثقند؛ ضمناً آیه مودت و حدیث پیامبر ﷺ در معرفی «ذی القربی» از مشهورترین نصوصی است که امامان شیعه مانند امیر مؤمنان علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام زین العابدین علیه السلام در دفاع از حقوق اهل بیت علیه السلام در مقابل مخالفان خود از بنی امیه و غیره، به آن احتجاج کرده‌اند (رک. آوسی، ۱۴۰۵ق: ج ۲۵، ص ۳۰؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: صص ۷۹-۷۶ و نیز هاشمی، ۱۳۷۶: فصل یازدهم، فاطمه زهرا در آیه قربی)

۴-۱-۲) همراهی با پیامبر ﷺ در روز مباهله

جریان مباهله از حوادث مشهور تاریخ اسلام است که به موجب آن پیامبر اسلام ﷺ با اهل بیت خود جهت «مباهله»^۱ در مقابل مسیحیان نجران قرار گرفت. قرآن در این خصوص خطاب به پیامبر می‌فرماید: «فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع ابناؤنا و ابناؤکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله علی الکاذبین» (آل عمران، ۶۱). (پس هر کس

۱ - مباهله در اصطلاح دینی به معنای نفرین کردن دو نفر به یکدیگر است. به این ترتیب که افرادی که درباره یک مسأله مهم مذهبی با هم گفت‌وگو دارند در یک جا جمع شوند و به درگاه خداوند تضرع کنند و از او بخواهند که دروغگو را رسوا سازد و مجازات کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۳۸).

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

درباره عیسی - بعد از علم و دانشی (که درباره عیسی) به تو رسید - با تو به محاجّه برخیزد به آنان بگو! بیایید ما فرزندان خود را بخوانیم شما نیز فرزندان خود را، ما زنان خود را صدا زنیم شما نیز زنان خود را، ما نفس‌های خود را بخوانیم شما نیز نفس‌های خود را، آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جهت انجام فرمان خداوند به مسیحیان پیشنهاد مباحله داد که مورد پذیرش آنان قرار گرفت و فردای آن روز جهت این کار تعیین گردید. در روز مقرر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همراه با حسن، حسین، علی و فاطمه زهرا علیها السلام جهت مباحله حاضر شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اهل بیت خود فرمود: هرگاه من دعا کردم شما آمین بگوید. اما اسقف نجران با مشاهده هیات ساده و ملکوتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و چهره‌های معصومی که همراه آن بزرگوار بودند، به همراهان خود گفت: «من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خداوند بخواهند که کوه را از جا برکنند، خدا این کار را خواهد کرد. ای نصاری با این مرد مباحله نکنید و گرنه هلاک می‌شوید و تا روز قیامت یک نفر نصرانی در روی زمین باقی نخواهند ماند...» (فخر رازی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ص ۸۹). در اینجا بود که مسیحیان از مباحله صرف نظر کرده و با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصالحه کردند.

به طوری که گذشت جریان مباحله از حوادث مشهور و بلکه قطعی تاریخ اسلام است که محدثان و مفسران غالباً به ذکر آن - همانگونه که گذشت - پرداخته‌اند. حاکم نیشابوری در خصوص این ماجرا ادعای تواتر کرده (حاکم نیشابوری، ۱۹۷۷م: ص ۵۰) و زمخشری این ماجرا را مهم‌ترین دلیل بر فضل و برتری اصحاب کسا یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می‌داند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۱۹۳؛ بیضاوی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۶۳؛ خازن، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۵۴؛ مراغی، بی تا: ج ۱، ص ۱۷۵؛ شوکانی، بی تا: ج ۱، ص ۳۴۷ از قول اکثر محدثان اهل سنت؛ نسفی، ۱۴۱۶ق: ج ۱، ص ۲۴۳).

آن چه در جریان مباحثه در ارتباط با حضرت زهرا علیها السلام قابل توجه است آن که طبق این آیه فاطمه زهرا علیها السلام مصداق «نساءنا» است و با آن که در زمان مباحثه رسول اکرم صلی الله علیه و آله قطعاً همسران متعددی داشته‌اند، هیچکدام را به عنوان «نساءنا» با خود همراه نکرده‌اند؛ لذا در آیه مباحثه دو شأن برای حضرت فاطمه علیها السلام به اثبات می‌رسد، نخست آن که حضرت زهرا علیها السلام شاهد و گواه حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام و اثبات رسالت آن حضرت است و این خود نمونه‌ای از همراهی حضرت فاطمه علیها السلام با مقام رسالت است. دیگر آن که در صورت انجام مباحثه، حضرت زهرا علیها السلام به همراه پدر، همسر و فرزندان خود، قطعاً مستجاب الدعوه بوده‌اند که این خود جایگاه بلند آن حضرت را در نزد خدای تبارک و تعالی نشان می‌دهد. به این ترتیب حقیقت پوشی برخی از مورخان و مفسران اهل سنت از جمله ابن هشام در «السیره النبویه» (ابن هشام، بی تا: ج ۲، صص ۲۳۳-۲۲۲) و ثعالبی در «الجواهر الحسان» (ثعالبی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، صص ۲۵۷-۲۵۶) که ضمن نقل ماجرای مباحثه اشاره‌ای به همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله نکرده‌اند، ضروری به اصل حقیقت وارد نمی‌سازد. نیز تشکیک برخی از مفسران امروزی مانند رشید رضا و محمد عبده که جریان مباحثه را - به نحوی که مورد ادعای شیعه است - مجعول داشته و مصادر روایات مباحثه را شیعیان معرفی کرده‌اند، اعتباری ندارد (رشید رضا، بی تا: ج ۳، ص ۳۲۲)؛ زیرا به طوری که گذشت کمتر واقعه‌ای مانند جریان مباحثه است که از قرن سوم تا عصر حاضر کتب حدیث، تفسیر و تاریخ اهل سنت را به شکل گسترده در نور دیده باشد.

۵-۱-۲) نیکوکاری بزرگ

حضرت زهرا علیها السلام طبق آیات قرآنی از مصداق «ابرار» است. ابرار در عرف قرآن به کسانی اطلاق می‌شود که در صحنه عقیده و عمل به کمال رسیده و از

گروه «صادقین» کردند که همراهی با آنان به همه مؤمنان توصیه شده است (نک. بقره، ۱۷۷؛ توبه، ۱۱۹). اما نیکوکاری حضرت فاطمه و علی علیهما السلام به شرح زیر در قرآن گزارش شده است «آن ابرار یشریون من کأس کان مزاجها کافوراً عیناً یشرّب بها عبدا لله یفجّرونها تفجیراً یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شرّه مستطیراً و یطمعون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیراً انما نطعمکم لوجه الله لانیذ منکم جزاء و لاشکوراً» (انسان، ۹-۵) (به یقین ابرار از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند و از زهر جا بخوانند آن را جاری می سازند. آنها به نذر خود وفا می کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است، می ترسند و غذای خود را با آن که به آن علاقه (و نیاز) دارند به مسکین، یتیم و اسیر می دهند (و می گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم).

سیاری از مفسران ذیل آیات ذکر شده از قول ابن عباس نقل کرده اند که: این آیات در پی بیماری حسنین و در پی آن نذر حضرت علی و فاطمه علیهما السلام برای شفای آنان به مدت سه روز روزه^۱ و تصمیم به ایفای نذرشان - پس از شفای حسن و حسین - نازل گردید. طبق این روایات علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیهما السلام و کنیز آنان فضّه در مقام انجام نذر خود سه روز متوالی را روزه گرفتند و هر روز به هنگام افطار با درخواست مستمندی - از فقیر، یتیم و اسیری - مواجه شده و افطاری خود را ایثار کردند و در پی این واقعه آیات ۵ الی ۲۲ سوره انسان نازل گردید (خازن، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۳۷۸؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ج ۶، ص ۴۱۲؛ فراء بغوی، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۴۲۸؛ نسفی، ۱۴۱۶: ج ۴، ص ۴۶۶؛ فخر رازی، ۱۴۱۳: ج ۳۰، ص ۲۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۶۷۰؛ شوکانی، بی تا: ج ۵، ص ۳۴۹؛ حاکم حسکانی، ۱۳۹۳: ج ۲، صص ۳۱۰-۲۲۹ در روایات گوناگون).

۱ - این نذر با راهنمایی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صورت پذیرفت (آلوسی، ۱۴۰۵: ذیل سوره انسان).

خدای متعال جهت تمجید از ایثار اهل بیت علیهم السلام آیات ۵ تا ۲۲ از سوره انسان را نازل فرمود و با گزارش خود از این ماجرا آن را در تاریخ انسانیت جاودانه ساخت. طبق این آیات ایثار اهل بیت علیهم السلام مورد پذیرش خدا قرار گرفت و مصونیت آنان از آتش جهنم و بهره‌مندی از نعمات بیکران الهی برایشان ضمانت گردید. ضمن آنکه به احترام بانوی دو عالم در مقام ذکر نعمت‌های بهشتی - که نصیب این نیکوکاران می‌شود- سخنی از حورالعین به میان نیامد و این خود از لطائف نظریه نزول آیات مورد بحث درباره نیکوکاران اهل بیت علیهم السلام است (آلوسی، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۱۵۸).

۲-۲) روایات غیر تفسیری

مراد از روایات غیر تفسیری، فضائل و مناقبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ دخت گرامی خود به زبان آورده است. جدا از رابطهٔ عاطفی پدر و فرزندی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه علیها السلام که فاطمه محبوب‌ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است - این روایات بیانگر ویژگی‌های مهمی در شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام است. این ویژگی‌ها در جای خود متعدد و فراوان است (بیومی مهران، ۱۹۹۰: ص ۱۵۳) که اهم آنها در چند مورد گزارش می‌شود.

۲-۲-۱) سروری بانوان دو عالم

حضرت فاطمه علیها السلام برترین بانوی دو عالم است که دست خلقت آفریده است. این موضوع در روایات زیادی منعکس شده است از جمله آن که عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت خطاب به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «یا فاطمة الاترضین ان تكونی سیده نساء العالمین و سیده نساء هذه الامة و سیده نساء العالمین»، (ای فاطمه آیا راضی نیستی که تو برترین بانوی زنان جهان و

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

بانوی زنان این امت و بانوی زنان با ایمان باشی) (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶). در برخی از روایات برتری فاطمه زهرا بر دیگر زنان موهبتی آسمانی تعبیر شده است؛ مثل این حدیث که «حذیفة بن یمان» نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فرشته‌ای از آسمان نازل گردید و از خدا اجازه طلبید که ارمغانی برای من آورد که کسی قبل از او نازل نکرده است. او به من بشارت داد که فاطمه سرور زنان بهشت است (همان، ج ۳، ص ۳۶۳).

فضیلت فاطمه زهرا علیها السلام نسبت به دیگر زنان به مناسبت‌های مختلف وارد شده است. مهم‌ترین آن روایاتی است که ارتباط با رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و متعاقب آن رحلت فاطمه زهرا علیها السلام به عنوان نخستین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ملحق خواهد شد- دارد. در این خصوص ام سلمه و عایشه روایت کرده‌اند: «فاطمه زهرا علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رازی با او در میان نهاد که در نتیجه فاطمه علیها السلام گریست. سپس راز دیگری با آن حضرت در میان نهاد که وی خندید. من از این ماجرا پرسش نمودم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: نخستین بار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من اطلاع داد که او امسال از دنیا خواهد رفت و من با شنیدن آن گریستم و در نوبت دوم اطلاع داد که من نخستین کسی هستم که به او ملحق خواهم شد و به این جهت خندیدم (بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۸۳؛ نیشابوری، ۱۳۷۴ق: ج ۴، صص ۱۹۰۵-۱۹۰۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۱۹۰، ج ۸، ص ۲۲؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۴؛ ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: ص ۴۲۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۹ق: ص ۲۳۹؛ ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۶۵۷؛ ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۵۹).

در همین گفتگو بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام را بر همه زنان عالم اعلام فرمود. عایشه همچنین می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن بیماری که منجر به وفات ایشان گردید خطاب به حضرت فاطمه گفت: «آیا خشنود نیستی که سرور

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

زنان بهشت یا سرور زنان عالمیان باشی» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶).

در برخی از روایات فضیلت حضرت فاطمه علیها السلام تحت الشعاع فضیلت حضرت مریم قرار گرفته است، مثل این حدیث که ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «... فاطمة سيدة نساء اهل الجنة الا ما كان من مریم بنت عمران» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۴۶، ح ۱۳۱) (فاطمه سرور زنان بهشتی است، جز مقامی که برای مریم دختر عمران وجود دارد). مبنای این دسته از روایات ظاهراً توجه به آیه‌ای است که مقام برگزیدگی حضرت مریم بر زنان عالم را مورد تأکید قرار می‌دهد (آل عمران، ۴۲). با این تصور که مراد از «عالمین» در آیه یاد شده مطلق قرون و اعصار باشد. غافل از آن که مطابق استعمال قرآن از کلمه «عالمین» که در موارد دیگر از جمله درباره بنی اسرائیل به کار رفته است (بقره، ۴۷ و ۱۲۲) مراد از این کلمه همان عصر و زمان حضرت مریم است نه زمان‌های دیگر. این موضوع ضمناً در روایات دیگری که درباره فضیلت حضرت فاطمه بر همه زنان وارد شده، مورد تصریح قرار گرفته است. از جمله عمران بن حصین نقل می‌کند که روزی فاطمه زهرا علیها السلام بیمار بود. به اتفاق رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن بانو عیادت کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن صحبت فرمود: «... یا بنیة اما ترضین ان تکونی سيدة نساء العالمین» حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: ای پدر؛ کاش چنین باشد، اما مریم دختر عمران چه وضعی دارد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دخترم او سرور زنان عصر خود بود و تو سرور زنان عالم خود هستی...» (ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۶۴؛ ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: ص ۴۷۴) نیز در برخی از روایات، حضرت فاطمه علیها السلام سرور زنان دو عالم، سرور زنان این امت و سرور زنان مؤمنین وصف شده است (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶)، اما با توجه به گستردگی امت پیامبر صلی الله علیه و آله و ابدی بودن دین آن سرور

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

تا روز قیامت، افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام بر زنان دیگر به طور مطلق نتیجه‌گیری می‌شود (ر.ک. بیومی‌مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۵۳؛ شرف‌الدین، ۱۳۸۳: صص ۱۰۷-۱۲۶). نیز می‌توان در افضلیت حضرت فاطمه علیها السلام حتی نسبت به حضرت مریم به تفاوت کیفیت تولد و نشو و نما و هر دو اشاره کرد. اگر در تربیت حضرت مریم زکریای پیامبر صلی الله علیه و آله کفالت او را به عهده گرفت، (آل عمران، ۳۷) در تربیت حضرت فاطمه علیها السلام به طوری که خواهد آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله که افضل بشر و افضل پیامبران است ایفای نقش فرمود (ر.ک. هندای، ۱۴۲۳ق: ص ۱۲۰).

۲-۲-۲) محبوبیت حضرت زهرا علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را بسیار دوست داشت و این دوستی را بارها به زبان آورد؛ به طوری که در عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به اطرافیان خود، کسی به پای حضرت زهرا علیها السلام نمی‌رسید. عبدالله بن بریده از پدرش نقل می‌کند که محبوب‌ترین زن‌ها نزد رسول خدا، فاطمه علیها السلام و محبوب‌ترین مردان علی علیه السلام بود (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۵). این موضوع در روایات دیگر از عمر و عایشه هم نقل شده است (همان، صص ۳۶۷ و ۳۶۵). حتی حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام نیز محبوب‌تر بوده است. در این خصوص علی علیه السلام خود گوید: من از رسول خدا پرسیدم که از بین ما دو نفر (یعنی من و فاطمه) کدامیک بیشتر مورد علاقه شما قرار داریم؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه نزد من دوست داشتنی‌تر از تو و تو نزد من عزیزتر از اویی» (جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۴؛ ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۸۴؛ شلبی، ۱۴۰۹ق: ص ۹ به نقل از نسایی، ۱۴۱۹ق: ص ۱۹۶، ح ۱۴۶) یکی از نشانه‌های این دوستی عمیق آن بود که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد سفر می‌کرد، فاطمه زهرا علیها السلام آخرین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از او خداحافظی می‌کرد

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

و چون از سفر باز می‌گشت، حضرت فاطمه علیها السلام نخستین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار او می‌شتافت و او را می‌بوسید (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۴؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۴؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: صص ۴۸-۴۹؛ بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۵۸؛ هاشمی، ۱۳۷۶ق: صص ۳۰۷-۳۳۹) عایشه گوید: کسی را ندیدم که از جهت منطق و کلام به پیامبر صلی الله علیه و آله شبیه‌تر از فاطمه علیها السلام باشد. چون فاطمه علیها السلام وارد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شد، آن حضرت برخاسته، بر او خوش آمد می‌گفت. وی را می‌بوسید و بر جای خود می‌نشاند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۴). رسول گرامی اسلام به جهت تأکید بر محبت خود نسبت به حضرت زهرا علیها السلام مکرر اعلام می‌فرمود که: «فاطمه بضعة منی من احبها فقد احببني و من ابغضها فقد ابغضني» یا «انما فاطمة شجنة منی بیسطنی ما بیسطها و یقبضنی ما یقبضها» (همان؛ نک. هاشمی، ۱۳۷۶: ص ۳۱۲). این سخنان لزوم دوستی دیگران را هم نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام روشن می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقام ابراز دوستی خود به آن حضرت می‌فرمود: «فداک ابی و امی» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶) و نیز خطاب به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «خداوند به غضب تو غضبناک و از خشنودی تو خشنود می‌گردد» (همان، ج ۳، ص ۳۶۴). به هر حال دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به فاطمه علیها السلام چنان علنی و مشخص بود که عمر نیز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت زهرا عرض کرد: «ای فاطمه به خدا ندیدم کسی محبوب‌تر از تو نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد و به خدا بعد از پدرت کسی هم نزد من دوست داشتنی‌تر از تو نیست...» (همان، ج ۳، ص ۳۶۵) و اتفاقاً حضرت زهرا علیها السلام نیز در احتجاج خود نسبت به ابوبکر و عمر به دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به او اشاره کرده و ناخشنودی خود را از آنان اعلام داشت.^۱

۱ - تفصیل را نک: معاش، ۱۴۲۴ق: ص ۱۴۹ به نقل از «الامامة و السياسة» ابن قتیبہ دینوری

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

برخی از روایات اهل سنت شیطنتی مرتکب شده و سبب صدور حدیث: «ان فاطمة بضعة منی...» را تصمیم ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل دانسته‌اند؛ از جمله عبدالله بن زبیر که در دشمنی با علی علیه السلام و اهل بیت او شهره به سزا دارد و از مسببان اصلی جنگ جمل علیه علی علیه السلام است، ادعا کرده است که: «در نوبتی علی علیه السلام یادی از دختر ابوجهل نمود (و تصمیم به خواستگاری از او گرفت) این مطلب به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیده و فرمود: «انما فاطمة بضعة منی یؤذینی ما آذاها و ینصبنی ما انصبها» (ابن شاهین، ۱۴۱۲ق: ص ۷۱) اما در دروغ بودن این حدیث همین بس که اولاً علی علیه السلام هرگز مرتکب خلاف شرع نشده و خصوصاً کاری بر خلاف نظر و رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام نداده است. ثانیاً به فرض آن که علی علیه السلام بر طبق احکام و ضوابط شرعی تعدد همسر اختیار می‌کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اکنش تند و غیرطبیعی از خود بروز نمی‌داد (نک. سجادی، ۱۳۸۲: شماره ۷۴، صص ۱۵۲-۱۳۹؛ مکی، ۴۲۴ق: صص ۲۴۸-۲۴۷ پاورقی نقد روایات ادعای ازدواج علی علیه السلام با دختر ابوجهل).

اما فلسفه دوستی شدید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فاطمه زهرا علیها السلام و علی علیه السلام چه بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان نقطه اوج این دوستی خطاب به آنان فرمود: «انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم» (ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: ص ۱۲۷؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۵؛ ترمذی، ۱۴۰۸ق: ج ۵، ص ۶۵۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۵۹). جز این است که فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام به جهت شخصیت ایمانی و اعتقادی خود مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفتند و در واقع اشتراک فکری آنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سبب اتصال روحی و معنوی ویژه‌ای گردید و گرنه شأن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بالاتر از آن است که به صرف احساس پدر، فرزندی رابطه‌ای عاطفی با دختر خود برقرار کرده و همگان را نیز به چنین دوستی و محبت فرا بخواند.

۲-۲-۳) تربیت حضرت زهرا در دامان پیامبر ﷺ

قبلاً اشاره گردید که پس از تولد حضرت مریم خداوند زکریا را به عنوان کفیل او معین کرده و مسئول تربیت وی قرار داد. از آن جهت که تقدیر خداوند آن بود که حضرت مریم مادر عیسی گردد، حال باید گفت که بنابر همان تقدیر الهی مقدر بود که حضرت فاطمه علیها السلام کوثر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، همسر ولی خدا و مادر دوازده نسل پاک از حجت‌های خدا گردد، لذا در پرورش چنین وجود شریفی نظارت و مراقبت ویژه‌ای حتی از قبل از تولد آن حضرت معمول گشت. حاکم از سعدبن مالک روایت می‌کند که وی گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در شب معراج جبرئیل سببی از بهشت به من تعارف کرد که آن را خوردم و پس از آن خدیجه به فاطمه علیها السلام باردار شد. لذا هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم بوی آن را از فاطمه علیها السلام استشمام می‌کنم» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۶؛ هاشمی، ۱۳۷۶ق: صص ۴۹-۳۹).

اما چرا پس از تولد حضرت فاطمه علیها السلام، وی به این نام موسوم گردید؟ روایات متعددی وجود دارد که آن حضرت را به دلیل پاکی و طهارت، نجات یافته از آتش معرفی می‌کند؛ مانند این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «ان فاطمة احصنت فرجها فحرم الله ذریتها من النار» (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۳). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر تربیت حضرت زهرا علیها السلام صفات و ابعاد انسانی و معنوی را در وجود او مستقر ساخت. خصوصاً وی را با زهد و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا آشنا ساخت؛ به گونه‌ای که با مشکلات زندگانی دست و پنجه نرم کند و از دنیا جز به قصد حاجت توشه نگیرد. ثوبان نقل می‌کند که من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دیدار فاطمه رفتم. آن حضرت گردنبندی از طلا به گردن داشت. با دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: این را ابوالحسن (علی) به من هدیه کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

خرسند می شوی که مردم تو را فاطمه دختر رسول خدا بشناسند، اما زنجیری از آتش بر دستانت باشد؟ سپس آن حضرت برخاست و از خانه حضرت فاطمه علیها السلام خارج گردید. پس از خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام زنجیر را فروخت و با پول آن غلامی را آزاد نمود. این مطلب به گوش حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و فرمود: «سپاس پروردگاری که فاطمه علیها السلام را از آتش رهانید» (همان، ج ۳، صص ۳۶۳-۳۶۲). در این خصوص پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله به نزدیکان خود مانند صفیه و فاطمه علیها السلام آن بود که باید خود مراقب اعمالشان باشند و صرفاً به امید شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله ننشینند؛ لذا فرمود: «یا صفیة بنت عبدالمطلب، یا فاطمة بنت محمد اعملا فانی لا اغنی عنکما من الله شیئاً» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۸۹). به موازات چنین پرورش در بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی، رسول خدا صلی الله علیه و آله روح و روان فاطمه علیها السلام را با ذکر و یاد خدا ورزیده ساخت. به همین جهت در نوبتی که آن حضرت از سختی زندگانی اندکی شکایت کرد، رسول خدا به عوض مساعدت مادی، تسبیحات معروف شامل ۳۳ مرتبه سبحان الله، ۳۳ مرتبه الحمد لله و ۳۴ مرتبه الله اکبر را به او یاد داد (معاش، ۱۴۲۴ق: ص ۶۳) و مخصوصاً به او و حضرت علی سفارش کرد که هر شب قبل از خواب آن را بگویند. علی علیه السلام گوید: به خدا قسم از زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله این ذکر را به ما تعلیم فرمود، یک شب هم آن را ترک نکردم. راوی حدیث «عبدالرحمن بن ابی لیلی» گوید: من به خاطر آن گذشت که آیا علی علیه السلام شب صفین هم آن ذکر را ترک نکرد، که علی علیه السلام به من گفت: حتی شب صفین هم این ذکر را ترک نکردم (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۲). از همین روست که بعدها امام صادق علیه السلام تسبیحات فاطمه علیها السلام را از مصادیق ذکر کثیر اعلام نموده و شیعیان را بر مداومت بر آن ترغیب فرمود^۱.

۱- زرارة بن اعین از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «تسبیح فاطمة الزهراء من الذکر الكثير الذی قال الله عزوجل: اذکروا الله ذکراً کثیراً» (نک. کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۵۰۰).

۲-۲-۴) حق طلبی زهرا علیها السلام در دفاع از رسالت و ولایت

قبلاً گذشت که برخی از روایات، حضرت فاطمه علیها السلام را شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وصف کرده‌اند؛ آیا این شباهت در صفات ظاهری مانند رنگ، قیافه و سایر مشخصات ظاهری بوده است؟ که قطعاً چنین نیست. بلکه مراد از این شباهت، اشتراک در صفات انسانی و خصوصیات ایمانی مانند راستگویی، ترس از خدا، شوق به عبادت، داشتن تعهد انسانی و مسئولیت‌پذیری بوده است. یکی از وجوه شباهت حضرت فاطمه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به مجاهدت‌های حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از حق و حقیقت بازمی‌گردد که این موضوع در دوره‌های مختلف زندگانی آن حضرت جلوه‌گر است؛ به طوری که می‌توان نمونه‌هایی از این مجاهدت‌ها را در دوران رسالت و پس از آن برشمرد.

۲-۲-۴-۱) حق طلبی در دوران رسالت

در این دوران - به ویژه پس از وفات حضرت خدیجه - حضرت زهرا علیها السلام مراقب پدر بزرگوارش بوده و در شناخت توطئه‌های دشمنان و خنثی کردن آن‌ها تلاش می‌نمود. آن حضرت خود نقل می‌کند که: «در نوبتی مشرکان قریش در حجر اسماعیل گردآمده و با هم قرار گذاشتند که با آمدن محمد صلی الله علیه و آله و سلم هر کدام ضربه‌ای به او وارد ساخته و حضرت را از بین ببرند. حضرت فاطمه علیها السلام از ماجرا خبردار شده و به پدر وارد گردید و عرض کرد: ای پدر مشرکان قریش علیه شما در حجر جمع شده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: دخترم تو در خانه باش، سپس خارج شد و به مسجد الحرام رفت و مشرکان با دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سرهای خود را به زیر افکندند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مثنی ریگ به سوی آنان پرتاب کرده، فرمود: رویتان سیاه باد. راوی گوید: به احدی از آنان از آن ریگ اصابت نکرد مگر آن که در جنگ بدر

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

هلاک گردید» (حاکم نیشابوری، ۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۶۷).

طبق شواهد دیگر آن‌گاه که مشرکان صدماتی متوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌کردند، حضرت فاطمه علیها السلام با دستان کوچک خود خاک‌ها و حتی خون را از چهره مبارک پدر می‌زدود (ابن سعد، ۴۱۸ق: ج ۲، ص ۳۶: شلبی، ۴۰۹ق: ص ۱۱ و ۲۲۱ به نقل از ابن حنبل). حضرت زهرا علیها السلام به همین ترتیب در شعب ابی طالب همراه پدر بوده و در مشکلات این دوره از رسالت، شریک رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید. در سن ۸ سالگی در شمار مهاجران قرار گرفت، در بسیاری از جنگ‌ها از جمله جنگ بدر و احد حضور یافته به یاری مجروحان شتافت^۱ و نهایتاً در دفاع از رسالت خصوصاً مراقبت از پدر بزرگوارش چنان تلاشی از خود به نمایش گذاشت که مفتخر به دریافت کنیه «ام‌ایها» گردید (نک: هندای، ۴۲۳ق: صص ۴۰-۳۳؛ مکی، ۴۲۴ق: ص ۲۳).

۲- ۲- ۴) حق طلبی زهرا علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله دوران سختی برای حضرت فاطمه علیها السلام فرا رسید. از دست دادن پدر از یک طرف و وقوع ظلم‌هایی به او و علی علیه السلام از طرف دیگر، فشارهای متعددی را متوجه زهرا علیها السلام ساخت. معهداً آن حضرت دمی از حق طلبی جهت احقاق حقوق مادی و معنوی خویش خصوصاً دفاع از حریم ولایت دست نکشید. روایات متعددی وارد شده که آن حضرت به دلیل غصب فدک، نسبت به ابوبکر غضبناک شده و از او فاصله گرفت و از تکلم با خلیفه خودداری می‌کرد تا آن که از دنیا رفت (بخاری، ۴۰۷ق: ج ۵، ص ۲۵۲؛ سیوطی، ۴۱۴ق: ص ۸۶). ابن اثیر در کتاب «منال الطالب» تصریح می‌کند که حضرت زهرا علیها السلام جهت تظلم نسبت

۱- ابن سعد در کتاب «الطبقات الكبرى» به تفصیل مراقبت حضرت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله را - خصوصاً در بستن جراحات آن حضرت - گزارش کرده است (ابن سعد، ۴۱۷ق: ج ۲، ص ۳۷).

به ابوبکر دو خطبه ایراد نمود. یکی از خطبه‌ها به روایت زینب دختر علی علیه السلام چنین آغاز می‌شود: «ثم قالت انا فاطمة و ابی محمد اقولها عوداً علی بدء...» (نک: غیب غلامی، ۱۳۷۵: صص ۶۸ - ۷۵ به نقل از منال الطالب و مراجع دیگر)

و نیز در جمع مهاجران و انصار، چنان خطابه‌ای القا فرمود که همگان به گریه افتادند. آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی با این عبارات که: «الحمد لله علی ما انعم و له الشکر علی ما الهم و الثناء بما قدّم من عموم نعم ابتداءها و...» خطبه‌ای غرّا ایراد فرمود. در قسمتی از این خطبه شخص خلیفه را مورد خطاب قرار داده و فرمود: «ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خدا وارد شده است که تو می‌توانی از پدر خود ارث ببری و من نمی‌توانم، قطعاً سخنی افتراگونه گفته‌ای. آیا به عمد کتاب خدا را ترک کرده و دستورات آن را پشت گوش انداخته‌اید که می‌فرماید: «و ورث سلیمان داود» یا حضرت زکریا از خداوند فرزندی طلبید که از او و آل یعقوب ارث برد؟ و...» (نک: معاش، ۱۴۲۴ق: ص ۱۳۷؛ بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۳۹).

همچنین جهت دفاع از حریم ولایت آن حضرت، شب‌ها با انصار ملاقات کرده و اخبار بیعت مردم با علی علیه السلام را (در غدیر خم) بازگو می‌کرد. انصار می‌گفتند: اگر قبل از بیعت با ابوبکر می‌دانستیم از بیعت با او خودداری می‌کردیم. علی علیه السلام می‌فرمود: آیا توقع داشتید که بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر زمین گذاشته و دعوی خلافت راه اندازیم؟ و حضرت زهرا علیها السلام در تأیید علی علیه السلام می‌فرمود که: ابوالحسن جز همان کاری که شایسته بود کاری انجام نداد و این قوم هم کاری انجام دادند که خدا به حساب آنان خواهد رسید (بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۳۵).

به هر حال مظاهر حق خواهی حضرت فاطمه علیها السلام فراوان‌تر از آن است که در جملات و عبارات محدودی بیان گردد. بلکه این مقال خود تحقیق و مجال

وسیع‌تری را می‌طلبد که امید است توفیق آن فراهم آید.

۲-۵-۲) شکوه و جلال فاطمه علیها السلام در قیامت

روایات متعددی در دست است که از شکوه و جلال حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت خبر می‌دهد. این روایات از طرفی بیانگر مقام و منزلت حضرت فاطمه نزد خداوند است، از طرف دیگر قدرت معنوی آن حضرت را در مقابل آحاد خلایق در روز محشر نشان می‌دهد به ویژه آن که با وجود حضرت زهرا علیها السلام نوعی صف‌بندی بین محبان و مبغضان آن بزرگوار نیز به وجود می‌آید. محب‌الدین طبری از ابویوب انصاری آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «زمانی که قیامت برپا می‌شود منادی از عرش خداوند ندا می‌کند که: ای اهل محشر سرهای خود را فرو بیاورید و چشم‌ها را ببندید که فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر صراط می‌گذرد. پس فاطمه در حالی که هفتاد هزار کنیز از حورالعین او را همراهی می‌کنند، مثل برق درخشنده از صراط عبور می‌کند» (هاشمی، ۱۳۷۶: ص ۲۶۱ به نقل از ذخائرالعقبی، الصواعق المحرقة، نورالابصار و...).

حدیث یاد شده با تعابیر متفاوت اما مضمون کاملاً یکسان در مدارک معتبر اهل سنت وارد شده است. حاکم نیشابوری این حدیث را از قول علی علیه السلام و او از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده که: «إذا كان يوم القيامة قيل يا اهل الجمع غصوا ابصاركم و تمرّ فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فتمر و علیها ریطان خضراوان» وی سپس توضیح می‌دهد که این حدیث «صحیح الاسناد» است؛ اما بخاری و مسلم از ذکر آن خودداری کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۳۷۱ و نیز نک: ابن المغازلی، ۱۴۲۷ق: صص ۴۲۰-۴۱۸؛ جزری، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۲۲۵؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق: صص ۱۲۹، ۱۳۱ و ۱۳۵؛ نیز نک: بیومی مهران، ۱۹۹۰م: ص ۱۵۹)، اما فلسفه این شکوه و جلال چیست که

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

در روز قیامت تجلی پیدا می‌کند؟ در برخی از روایات آمده است که در آن روز حضرت فاطمه علیها السلام در حالی که پیراهن آغشته به خون فرزندش حسین بن علی علیه السلام را به دست دارد خدای جبار را به داوری و قضاوت بین او و قاتلان فرزندش فرا می‌خواند و نیز از خداوند شفاعت دوستداران و گریه‌کنندگان بر حسین علیه السلام را طلب می‌کند (هاشمی، ۱۳۷۶: ص ۲۶۲ به نقل از منابع متعدد از جمله اسد الغابه، کفایه الطالب، میزان الاعتدال و ...). نیز مطابق این روایات همگان تأویل این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را که خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: «ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک» (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۷۶)، به عیان خواهند دید. در این روایات همچنین بر همراهی فاطمه زهرا علیها السلام در ورود به بهشت با رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی و حسین علیهما السلام - به عنوان نخستین بهشتیان - تأکید شده و برخی نیز حاوی بشارت برای شیعیان است. در حدیثی علی علیه السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که نخستین کسانی که به بهشت پا می‌گذارند من، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام خواهیم بود. من گفتم: پس تکلیف دوست‌داران ما چه می‌شود و حضرت فرمود: آنان به دنبال شما خواهند بود (همان، صص ۱۶۷؛ ۱۱۸) و نیز علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: در بهشت درجه‌ای است که در آن «وسیله» صدا زده می‌شود و آن گاه که از خدا دعا و مسئلت می‌کنید به واسطه من «وسیله» را طلب کنید. اصحاب سؤال کردند که یا رسول خدا صلی الله علیه و آله چه کسانی با تو (و در آن درجه همراه شما) هستند و حضرت فرمود: «علی، فاطمه، حسن و حسین» (همان، ص ۱۶۷ به رقم ۱۶۸).

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

۳) نتیجه‌گیری

۱- سیمای حضرت زهرا علیها السلام از طریق تحلیل آیات قرآن و بهره‌گیری از روایات تفسیری و غیرتفسیری که در منابع معتبر حدیثی، تفسیری، سیره و تاریخ اهل سنت وارد شده، به نحو جامع قابل بررسی و شناخت است.

۲- براساس آیات قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه زهرا علیها السلام از جهات گوناگون از جمله: اراده الهی در چگونگی خلقت وی، برخوردار از تربیت مستقیم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، توفیق همسری با علی علیه السلام و در نتیجه بقای نسل پیامبر به واسطه او، رسیدن به مقام «ام ابیها» - که بیانگر همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است - برخوردار از شرافت مادری نسبت به حجت‌های الهی و ...، شخصیتی برگزیده و مؤید به توفیق الهی بوده است.

۳- حضرت زهرا علیها السلام محور اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، محبوب‌ترین انسان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سرور بانوان دو عالم، معصوم از هر لغزش و خطا، معیاری در تجلی رضا و خشم الهی، تجسم تقوی و معنویت، الگوی شایسته‌ای جهت کمال انسان در دنیا و وسیله‌ای مشفق برای شفاعت و نجات مومنان در عالم آخرت به شمار می‌رود.

فهرست منابع

◀ قرآن کریم

- ◀ ابن ابی الحدید، عزالدین: «شرح نهج البلاغه»، بیروت، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
- ◀ ابن المغازلی، علی بن محمد جلابی: «مناقب اهل البيت»، تهران، المجمع العالمی لتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.
- ◀ ابن حنبل، احمد: «المسند»، بیروت، بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۵م.
- ◀ ابن حنبل، احمد: «فضائل اهل البيت من...»، به تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، انتشارات مجمع تقریب المذاهب، ۱۴۲۹ق.
- ◀ ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع: «الطبقات الكبرى»، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ◀ ابن شاهین، ابو حفص عمر بن احمد: «فضائل فاطمة الزهراء»، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- ◀ ابن هشام، محمد: «السيرة النبویه»، بیروت، دارالقلم، بی تا.
- ◀ العک، خالد بن عبدالرحمن: «اصول التفسیر و قواعد»، بیروت، دارالفائس، ۱۴۱۴ق.
- ◀ آلوسی، سید محمود: «روح المعانی فی تفسیر القرآن و السبع المثانی»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- ◀ بخاری، محمد بن اسماعیل: «الصحيح»، بیروت، دارلقلم، ۱۴۰۷ق.
- ◀ بشوی، محمد یعقوب: «شخصیت حضرت زهرا (علیها السلام) در قرآن از منظر اهل سنت»، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- ◀ بیضاوی، ابوسعید عبدالله بن عمر: «انوار التنزیل و اسرار التاویل»، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- ◀ بیومی مهران، محمد: «السيدة فاطمة الزهراء»، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۹۰م.
- ◀ ترمذی، محمد بن عیسی: «السنن»، به تحقیق احمد محمد شاکر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- ◀ ثعالبی، عبدالرحمن بن خلوف: «الجواهر الحسان»، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۷ق.
- ◀ جزری، عزالدین ابن اثیر: «اسد الغابة فی معرفة الصحابة»، بیروت، دارالکفر، ۱۴۰۹ق.

- «حاكم حسانى، عبدالله بن عبدالله: «شواهد التنزيل لقواعد التفضيل في...» بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۳۹۳ق.
- «حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله: «المستدرک على الصحيحين» بيروت، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.
- «حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله: «معرفة علوم الحديث» بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۹۷۷م.
- «حسينى شيرازى، سيد صادق: «فاطمة الزهراء فى القرآن» بيروت، مؤسسة الفكر الاسلامى، ۱۴۱۱ق.
- «خازن، علاء الدين على بن محمد «لباب التأويل» (مشهور به تفسير خازن)، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
- «خويى، سيد ابوالقاسم: «البيان فى تفسير القرآن» بيروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ق.
- «دمشقى، اسماعيل بن كثير: «تفسير القرآن العظيم» بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
- «راغب اصفهانى، حسين بن محمد: «المفردات فى غريب القرآن» انتشارات مرتضى، ۱۳۶۲.
- «رشيد رضا، سيد محمد و شيخ محمد عبده: «تفسير القرآن الحكيم» مشهور به تفسير المنار، بيروت، دارالفکر، بى تا.
- «زرقانى، محمد عبدالعظيم: «مناهل العرفان فى علوم القرآن» بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
- «زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله: «البرهان فى علوم القرآن» بيروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۱ق.
- «زمخشري، محمود بن عمر: «الكشاف عن...» بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۰۷ق.
- «سجادى، رضيه سادات: «نقد اخبار ازدواج مجدد امام على عليه السلام در زمان پیامبر» مقالات و بررسى ها، شماره ۷۴، ۱۳۸۲.
- «سيوطى، جلال الدين: «الدر المثور فى التفسير بالمأثور» بيروت، دارالفکر، ۱۹۹۳م.
- «سيوطى، جلال الدين: «مسند فاطمه الزهراء و ماورد فى فضلها» بيروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۴ق.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- «شرف الدین، سید عبدالحسین: «سخنی شیوا در برتری حضرت زهراء»، به ترجمه محمد رضا مهري، قم، بنياد معارف اسلامي، ۱۳۸۳.
- «شليبي، محمود: «حياة فاطمه عليها السلام»، بيروت، دارالجيل، ۱۴۰۹ق.
- «شوكاني، محمد بن علي: «فتح القدير الجامع...»، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
- «طباطبائي، سيد محمد حسين: «الميزان في تفسير القرآن»، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۳۹۴ق.
- «طباطبائي، سيد محمد حسين: «قرآن در اسلام»، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۵۳.
- «طبرسي، فضل بن حسن: «مجمع البيان لعلوم القرآن»، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۸ق.
- «طبري، محمد بن جرير: «جامع البيان عن تأويل آي القرآن»، بيروت، دارالمعرفة، ۱۹۸۸م.
- «طوسي، محمد بن حسن: «التبيان الجامع لعلوم القرآن»، بيروت، داراحياء التراث العربي، بی تا.
- «عثمان محمد، عبدالزهرا: «الزهراء فاطمة بنت محمد»، بيروت، دارالفردوس، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
- «عسقلاني، ابن حجر: احمد بن علي: «تهذيب التهذيب»، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- «علي الصغير، محمد حسين: «المبادئ العامة لتفسير القرآن الكريم»، بيروت، دارالمورخ العربي، ۱۴۲۰ق.
- «غيب غلامی، حسين: «احراق بيت فاطمة في الكتب المعتمدة عند اهل السنة»، بی جا، مطبعة الهادي، ۱۳۷۵.
- «فخر رازی، محمدبن عمر: «مفاتيح الغيب»، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۳ق.
- «فراء بغوی، حسين بن مسعود: «معالم التنزيل»، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵ق.
- «کليني، محمد بن يعقوب: «الكافي»، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۳.
- «مجلسي، محمد باقر: «بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار»، بيروت، مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ق.
- «مراغي، احمد مصطفي: «تفسير المراغي»، بيروت، دارالفکر، بی تا.
- «معارف، مجيد: «مباحثی در تاريخ و علوم قرآنی»، تهران، انتشارات نبأ، ۱۳۸۲.

سیمای حضرت زهرا علیها السلام در روایات اهل تسنن

- «معاش، کمال: «فاطمة بين النبوة و الامامة»، بيروت، دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
- «معرفت، محمد هادی: «التفسير الاثرى الجامع»، قم، مؤسسة التمهيد، ۱۴۲۵ق.
- «مکارم شیرازی و همکاران: «تفسير نمونه»، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۷۴.
- «مکی، سيد ساجد: «خصائص الزهراء»، بيروت، دارالولاء، ۱۴۲۴ق.
- «مهدوی راد، محمد علی: «آفاق تفسير»، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۸۲.
- «نسابی، احمد بن شعیب: «خصائص امیرالمومنین...»، قم، دارالتقلین، ۱۴۱۹ق.
- «نسفی، عبدالله بن احمد، «مدارك التنزيل و حقایق التأویل»، بيروت، دارالنفائس، ۱۴۱۶ق.
- «نیشابوری، محمد بن مسلم: «الجامع الصحيح»، به تصحيح فواد عبدالباقي، بيروت، بی نا، ۱۳۷۴ق.
- «نیشابوری، نظام الدین: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۱۶ق.
- «هاشمی، سيد مهدی: «فاطمه زهرا در کلام اهل سنت»، قم، انتشارات حر، ۱۳۷۶.
- «هنداوی، شیخ محمد: «فاطمة الزهراء شخصيتها، ظلامتها»، بيروت، مؤسسة العارف للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.